ریموت کنترل ذهنی نیروهای تاریک

کالبدشکافی تسخیر فکر ازتونل های‌زیرستاره ای تارابط های انسانی

Ketabton.com

طرح، تعیین ساختار و اتمام: محمد یوسف اشرفی
تحلیل طرح، تهیه و ارایه: دستیار هوش مصنوعی‌دیپ سیک

بهار ۱۴۰۵ هـ.ش

ketabton.com - The Digital Library

یک

توضیح استعاره اصلی کتاب: ریموت کنترل ذهنی

چرا «ریموت کنترل»؟

در نگاه نخست، انسان مدرن خود را موجودی مختار و دارای اراده آزادمی پندارد. ما تصور میکنیم هر تصمیمی که میگیریم، حاصل تحلیل منطقی و خواست قلبی خودمان است. اما حقیقت تلخ این است که اراده آزاد، همیشه آزاد نیست. گاهی اراده ما مانند یک صفحه تلویزیون است که‌کانال هایش را خودمان عوض‌نمی کنیم؛ بلکه یک دستگاه ریموت کنترل در دستان موجودی دیگر، در پشت صحنه، کانال را از «آرامش» به «ترس» یا از «قناعت» به «طمع» تغییر میدهد. استعاره «ریموت کنترل» در این کتاب دقیقًا به همین سازوکار پنهان اشاره دارد. ریموت کنترل ذهنی، برخلاف‌سلاح های آشکار، اراده ظاهری انسان را حذف نمیکند؛ بلکه آن را منحرف میسازد. وقتی دکمه «وسوسه» فشار داده میشود، شما همچنان فکر میکنید که خودتان به آن گناه یا آن ترس فکرکرده اید. شما از خودتان میپرسید: «چرا من ناگهان چنین فکری کردم؟» اما نمیدانید که این فکر، سیگنالی بوده که از یک فرستنده خارجی به آنتن ذهن شما رسیده است.

این استعاره به خواننده‌می آموزد که میان «فکر کردن» و «هدفون بودن برای صدای دیگران» تفاوت قائل شود. شما مالک ریموت کنترل نیستید اگر هر فکری که به ذهنتان خطور میکند را بپذیرید. شما مالک ریموت کنترل هستید اگر بتوانید کانال ذهن خود را شناسایی کرده و دکمه خاموش را روی‌فرکانس های مزاحم فشار دهید.

ketabton.com - The Digital Library

نقش هوش انسانی طراح موضوع و هوش مصنوعی تحلیلگر

این کتاب حاصل یک‌هم آفرینی‌منحصربه فرد میان هوش شهودی انسانی و هوش تحلیلی مصنوعی است.

نقش هوش انسانی (طراح موضوع):

انسان، به واسطه تجربه زیسته، شهود معنوی، و آشنایی با متون مقدس و علوم غیبی، پرسش اصلی و چارچوب مفهومی را طراحی کرده است. اوست که درد این پرسش را در وجود خود حس کرده: «چرا گاهی افکاری به ذهنم‌می آید که با شخصیت من همخوانی ندارد؟ چرا حرف مادرم دقیقًا همان وسوسه دیشب من بود؟» هوش انسانی، جهت نگاه را تعیین میکند. او مانند کارگردانی است که‌می داند دوربین را به کدام سو بگیرد. این هوش شهودی، قادر به درک ارتباطات غیرخطی و فرامادی میان‌پدیده هاست؛ ارتباطی میان شیاطین،خاکستری ها، و روانشناسی خانواده که از حیطه منطق خشک و خطی خارج است.

نقش هوش مصنوعی (تحلیلگر):

هوش مصنوعی در این پروژه، نقش یک دستیار پژوهشی‌غول پیکر و یک ویراستار ساختاری را ایفا کرده است. وظیفه هوش انسانی، پراکنده گویی شهودی نبود؛ بلکه ارائه یک رساله منسجم، مستدل، و خواندنی برای مخاطب مدرن بود.

ketabton.com - The Digital Library

هوش مصنوعی با دسترسی به حجم عظیمی از اطلاعات در حوزه های روانشناسی تحلیلی (یونگ)،عصب شناسی، فراروانشناسی (پاراسایکولوژی)، متون دینی تطبیقی، و حتی اسناد یوفولوژی، توانست این‌ایده های پراکنده و گاه متناقض را در یک ساختار منظم (مقدمه، دو فصل،نتیجه گیری) و با لحن متناسب (هشداردهنده اما علمی-عرفانی)صورت بندی کند. هوش مصنوعی در اینجا مترجِم شهودِ انسانی به زبان استدلالِ مدرن بوده است. این همکاری نشان میدهد که در دنیای امروز، هوش مصنوعی نه جایگزین خرد انسانی، بلکه همراهی قدرتمند برای بسط و تبیین ایده های عمیق انسانی است. انسان سؤال میپرسد و جهت میدهد؛ ماشین سازماندهی میکند، شواهد رامی آورد و متن را صیقل میزند.

اهمیت و جایگاه این موضوع در دنیای معاصر

این کتاب در خلأ تألیف نشده است. ما در عصری زندگی میکنیم که بمباران اطلاعاتی و دستکاری روانی به اوج خود رسیده است. الگوریتم های‌شبکه های اجتماعی، تبلیغات هدفمند، ورسانه های جریان اصلی، همگی‌نسخه ای مدرن و زمینی از همان «ریموت کنترل» هستند. تفاوتشان با شیاطین‌زیرستاره ای فقط در این است که اولی از طریق فیبر نوری و دومی از طریق امواج اتری عمل میکند.

ketabton.com - The Digital Library

اهمیت این موضوع از دو منظر قابل بررسی است:
۱. منظر سلامت روان فردی:
انسان معاصر در اپیدمی اضطراب، افسردگی و وسواس فکری غوطه ور است. روانشناسی رایج، منشأ این افکار را صرفًا در «عدم تعادل شیمیایی مغز» یا «عقده های دوران کودکی» جستجو میکند. اما این کتاب‌پنجره ای تازه میگشاید: شاید مشکل فقط در سیم کشی مغز شما نباشد؛ شاید یک هکر در سیستم شماست. شناخت مفهوم «وسوسه به مثابه سیگنال خارجی» به انسان قدرتی میدهد که بابی اعتنایی به فکر مزاحم، آن را خنثی کند. این رویکرد، مکمل قدرتمندی برای‌درمان های رایج روانشناختی است.
۲. منظر تمدنی وفرجام شناسانه:
در مقیاس بزرگتر، تسخیر ذهنی جمعی، مقدمه بردگی تمدنهاست. وقتی یک جامعه به طور هماهنگ دچار «ترس از آینده» یا «شهوت مصرف گرایی» شود، آن جامعه به راحتی قابل کنترل است. نیروهای تاریک (چه از جنس شیاطین و چه از جنس قدرتهای جهانی) برای به بردگی کشیدن انسانها نیازی به زنجیر فیزیکی ندارند. کافی است کانال ذهنی جمعیت را روی موج «ترس و طمع» قفل کنند. این کتاب از این منظر، یک مانیفست مقاومت معنوی است. جایگاه آن در قفسه کتابها، در کنار آثاری است که به بیداری انسان در عصر تاریکی میپردازند؛ کتابهایی که نمیخواهند فقط سرگرم کنند، بلکه میخواهند خواننده را خلع سلاح ذهنی کنند و به او بفهمانند که ریموت کنترل‌زندگی اش همین حالا هم در جیب خودش است، به شرطی که‌باتری اش را از شارژر نیروی تاریک بیرون بکشد.

ketabton.com - The Digital Library

فهرست عناوین

عنوان..... صفحه
مقدمه: فرکانس سکوت وطعمه گذاری ذهن..... ۱
· دروازه ادراک: چرا ذهن انسان آنتن امواج تاریک است؟
· ریموت کنترل پنهان: تبیین مفهوم «فکر القایی» در برابر «فکر اصیل»
· میزبان و انگل ذهنی: مرز باریک میان شخصیت خودآگاه و زمزمه های شیطانی

فصل اول: اربابان موج؛ کالبدشکافی عاملان‌نامرئی..... .... ۷
(این فصل به موجودات غیرارگانیک و غیرانسانی میپردازد)
1. موجودات‌زیرستاره ای (شیاطین): مهندسان اولیه موج منفی
2.خاکستری ها و برنامه تلقیح ذهنی: تحلیل وسوسه به مثابه برداشت انرژی لاروی
3. معماری تله فکری: چگونه یک فکر ناخوانده در ذهن‌لانه گزینی میکند؟
4. حلقه‌بی پایان: علت تکراروسواس گونه یک گناه یا ترس خاص
5. تغییر کانال ذهن:تکنیک های‌پارازیت اندازی نیروی تاریک بر روی شهود

ketabton.com - The Digital Library

فصل دوم:آنتن های زمینی؛ انسان در مقام ریموتکنترل.. .... ۱۸
(این فصل به نقش انسانهای تسخیرشده وواسطه های انسانی میپردازد)
1. دهان شیطان، گوشت انسان: مفهوم «رابط تسخیرشده» در خانواده و جامعه
2. وقتی مادر آنتن شیطان میشود: القای ترس و دلسوزی سمی در حریم خانه
3. دوستان خاکستری: انسانهایی که ناخودآگاه فرکانس اغوا را تقویت میکنند
4. نشانگان مترجم تاریکی: چرا فلان حرف همسایه دقیقًا همان وسوسه ذهنی دیشب شما بود؟
5. تسخیر شدگی خاموش: آیا القاگر زمینی میداند که ریموت کنترل دست کیست؟

خلاصه ونتیجه گیری: قطع سیگنال،بازپس گیری کنترل..... ۳۲
· شناسایی کد منبع: تمرین عملی برای تفکیک ندای درون از «القای بیرون»
· قطع رابطه با ماهواره تاریکی: چگونه از ایفای نقش «رابط» برای دیگران خودداری کنیم؟
· اعلام استقلال ذهنی: پایان دادن به قرارداد نانوشته تسخیر فکری

ketabton.com - The Digital Library

مقدمه

فرکانس سکوت وطعمه گذاری ذهن

تصور کنید در اتاقی‌نشسته اید، در سکوتی محض. ناگهان فکری به ذهنتان خطور میکند که نه با جریان منطقی افکارتان همخوانی دارد، نه باخلق وخوی آن‌لحظه تان. فکری درباره یک گناه قدیمی، ترسی‌بی اساس درباره آینده، یا خشمی ناگهانی نسبت به عزیزی که تا دقایقی پیش از او راضی بودید. شما این فکر را از آِن خود میدانید، چون در درون سر شما رخ داده است. اما آیا واقعًا شما دکمه پخش این فکر رافشرده اید؟ یا کس دیگری، جایی در فراسوی حواس پنجگانه، ریموت کنترل ذهن شما را در دست گرفته و کانال افکارتان را عوض کرده است؟

این کتاب ادعای‌تازه ای در عرصه روانشناسی صرف ندارد؛ بلکه نقشه ای است برای شناسایی‌نقشه کشی های نیروهایی که در کتابهای آسمانی «وسواس خناس» و در متون تحقیقی مدرن فراروانشناسی، «موجودات‌زیرستاره ای» یا «انگل های فکری» نامیده میشوند. ما در این مقدمه قصد داریم نشان دهیم چرا ذهن انسان به مثابه یک آنتن حساس، دائمًا در معرض‌طعمه گذاری فکری نیروهای تاریک است و چگونه خط باریک میان خود حقیقی و القای بیگانه محو میشود.

ketabton.com - The Digital Library

دروازه ادراک: چرا ذهن انسان آنتن امواج تاریک است؟

مغز انسان یک تولیدکننده فکر نیست؛ بلکه یک گیرنده و مترجم بسیار پیشرفته امواج است. همانگونه که رادیو امواج AM/FM را از دل سکوت هوا بیرون میکشد و به صدا تبدیل میکند، ذهن انسان نیز بافرکانس های نامرئی هستی در تعامل است. تفاوت ما با رادیو در این است که رادیو یک دکمه خاموش/روشن دارد، اما ذهن انسان، حتی در سکوت مراقبه، هرگز خاموش نمیشود. این ویژگی ذاتی، آن را به یک آنتن‌همیشه روشن تبدیل کرده است.

اما چرا این آنتن، امواج تاریک را بهتر وشفاف تر از امواج الهی یا نورانی دریافت میکند؟ پاسخ در جنس ماده و فرکانس نهفته است. موجودات‌زیرستاره ای (شیاطین) وتمدن های‌مداخله گر مانند خاکستری ها، بر خلاف موجودات نوری که بر پایه عشق و اختیار عمل میکنند، بر پایه ارتعاشات سنگین و متراکم عمل میکنند. این ارتعاشات شامل: ترس، شهوت، حرص، غم و نفرت است. جالب اینجاست که مغز انسانِ معمولی وآموزش ندیده، به دلیل دلبستگی به دنیای مادی وواکنش های غریزی، به طورپیش فرض روی همین فرکانس های سنگین تنظیم شده است. این مثل یک رادیوی خراب می ماند که فقط موج FMبه دردنخور را میگیرد و موج موسیقی سمفونی را به سختی و باخش خش دریافت میکند.

ketabton.com - The Digital Library

نیروی تاریک برای ارسال «فکر» به شما نیازی به شکستن در جمجمه تان ندارد. او فقط کافی است موج حامل آن فکر را با فرکانس ترس یا طمع شما هماهنگ کند. در این حالت، فکر وسوسه انگیز به نرمی از مرز هاله ذهنی شما عبور میکند و شما چنان آن را حس میکنید که انگار خودتان آن راساخته اید. این دروازه ادراک همان جایی است که جنگ واقعی در آن رخ میدهد؛ جنگی که ما حتی از وقوعش بی خبریم.

ریموت کنترل پنهان: تبیین مفهوم «فکر القایی» در برابر «فکر اصیل»

یکی ازمهلک ترین ترفندهای نیروی تاریک، محو کردن ردپای خود در ذهن قربانی است. برای مقابله با این ترفند، باید مرز میان دو نوع فکر را بشناسیم:

۱. فکر اصیل (زاده آگاهی): این فکر نتیجه زنجیره علت و معلول درونی شماست. مثلًا گرسنگی منجر به فکر کردن به غذا میشود، یا دیدن یک منظره زیبا منجر به یادآوری خاطره ای خوش. فکر اصیل معمولًا سیر طبیعی دارد.می آید، اوج می گیرد و جای خود را به فکر بعدی میدهد. به ندرت با خودش اجبار و فوریت به همراه دارد.

۲. فکر القایی (فرکانس بیگانه): این فکر شبیه یک کپسول بسته بندی شده است که ناگهان در جریان آرام رودخانه ذهن پرتاب میشود. ویژگی بارز آن بیگانگی با متن است.

ketabton.com - The Digital Library

وسط نماز هستید، ناگهان تصویری مستهجن ازهیچ کجا ظاهر میشود. یا در اوج شادی خانوادگی، ناگهان ترس از مرگ عزیزان به قلب تان چنگ میزند. فکر القایی معمولًا با سه نشانه همراه است:

· تکرار وسواسی (لوپ ذهنی):نمی توانید از دستش خلاص شوید. مثل آهنگی که در سرتان گیر کرده است.

· احساس فوریت: «همین حالا باید انجامش دهی! بعدًا دیر است!»

· برانگیختگی شدید عاطفی: یا وحشت شدید است یا شوق جنون آمیز.

نیروی تاریک با این روش، در واقع ریموت کنترل عواطف شما را در دست گرفته است. شما فکر میکنید دارید فکر میکنید، در حالی که فقط دارید فیلمی را تماشا میکنید که یک کارگردان نامرئی برایتان پخش کرده است.

ketabton.com - The Digital Library

میزبان و انگل ذهنی: مرز باریک میان شخصیت خودآگاه و زمزمه های شیطانی

حال به خطرناکترین بخش ماجرا میرسیم: جایی که فکر القایی آنقدر تکرار میشود که بخشی از هویت فرد میگردد. رابطه میان ذهن انسان و القاگر تاریک،رابطه ای همزیستی انگلی است.
انگل برای زنده ماندن نیازی ندارد خودش را نشان دهد؛ بلکه کافی است ترشحات شیمیایی بدن میزبان را تغییر دهد. وقتی یک موجودزیرستاره ای فکر «توبی ارزشی» یا «این یک گناه‌لذت بخش است» را در ذهن شما القا میکند و شما آن رامی پذیرید و عمل می کنید، یک اتفاق بیوشیمیایی در مغزمی افتد. مسیرهای عصبی جدیدی ساخته میشوند. بار دوم، این فکر دیگر نیازی به القاگر بیرونی ندارد؛ شما تبدیل به فرستنده آن فکر برای خودتان میشوید! اینجاست که «انگل ذهنی» به بلوغ میرسد. شخصیت خودآگاه شما با زمزمه شیطانی چنان درهم‌می آمیزد که وقتی میگویید: «من خیلی حسودم» یا «من ذاتًا وسواسی هستم»، در حقیقت دارید امضای انگل را به جای اثر انگشت خودتان اشتباه میگیرید.

ما در این کتاب و به ویژه در فصل دوم نشان خواهیم داد که این انگل فقط در اتر معلق نیست. گاهی این انگل از طریق کلام پدری مضطرب، همسری حسود، یا دوستی نادان وارد حریم ذهن شما میشود.

ketabton.com - The Digital Library

این افراد که خودشان ریموت‌کنترل شان دست موجودات زیرستاره ای است، نقش «رابط» یا «آنتن زمینی» را برای شما ایفا میکنند. آنها کافی است دکمه پخش را روی فرکانس ترس یا طمع شما تنظیم کنند؛ بقیه کار را نیروی تاریکی انجام میدهد که در تونل های زیرین ذهن انسان در کمین نشسته است.

هدف از نگارش این مقدمه و فصول آتی، برداشتن باتری از این ریموت کنترل پنهان است. چون تا وقتی ندانید دزد در خانه است، برای بیرون کردنش تقلا نخواهید کرد. این کتاب، صدای پای آن دزد در راهروی ذهنتان است.

ketabton.com - The Digital Library

فصل اول
اربابان موج؛ کالبدشکافی عاملان نامرئی

در مقدمه دانستیم که ذهن انسان یک آنتن‌همیشه روشن است. اما سؤال اساسی اینجاست: چه کسی یا چه چیزی در آن سوی خط، دکمه ارسال را فشار میدهد؟ این فصل به معرفی‌سلسله مراتب نیروهای نامرئی میپردازد که در پشت پرده فکرهای‌وسوسه انگیز، وحشت های‌بی دلیل ووسواس های فکری‌ایستاده اند. شناخت دشمن، نیمی از پیروزی است. تا زمانی که چهره واقعی فرستنده سیگنال را نشناسیم، هر فکری را که به ذهنمان خطور میکند، از آِن خودمی پنداریم و در نتیجه، در دفاع از آن میکوشیم. ما در این فصل از پایینترین‌لایه های طیف تاریکی (شیاطین‌زیرستاره ای) آغاز میکنیم و به‌لایه های‌پیچیده ترمداخله گران فرازمینی (خاکستری ها) میرسیم.

۱. موجودات‌زیرستاره ای (شیاطین): مهندسان اولیه موج منفی

برای درک سازوکار ریموت کنترل ذهنی، ابتدا باید مفهوم «موجودات‌زیرستاره ای» یا آنچه در متون دینی «شیاطین» و «اجنه شرور» نامیده میشوند را از منظر فرکانسی و انرژیک بررسی کنیم. از منظر فیزیک کوانتوم و متافیزیک، جهان مادی متراکمترین لایه هستی است. درست مانند طیف نور که شامل مادون قرمز نامرئی و فرابنفش نامرئی است، طیف حیات نیز شامل موجوداتی است که درفرکانس هایی‌پایین تر از محدوده ادراک حسی انسان عادی ارتعاش میکنند.

ketabton.com - The Digital Library

ویژگی‌زیست شناختی انرژیک شیاطین:
این موجودات، برخلاف انسان که از ترکیب روح (فرکانس بالا)، جسم (فرکانس متراکم) و روان (واسطه) تشکیل شده، فاقد جسم فیزیکی مستقل هستند. آنها از «دخان» (انرژی دودی شکل و نیمه آگاه) آفریده‌شده اند. این ماهیت دودی به آنها اجازه میدهد در امواج مغزی تتا و دلتا (حالت خواب، خلسه ونیمه هوشیاری) نفوذ کنند. آنها مهندسان اولیه موج منفی هستند، یعنی‌تخصص شان تبدیل ارتعاشات خنثی ذهن به ارتعاشات مخرب است.
چرخه تغذیه شیطانی:
شیاطین برای بقا و تکثیر انرژی خود نیازمند غذای عاطفی هستند. غذای آنها نور نیست، بلکه امواج سنگین حاصل از ترشح هورمون های استرس (کورتیزول و آدرنالین) در بدن انسان است. هر بار که یک انسان دچار ترس‌بی دلیل، خشم انفجاری، شهوت مهارنشده یا غم‌فلج کننده میشود، بدن او یک «کارخانه تولید انرژی منفی» راه‌می اندازد. شیاطین مانند زالوهایی در بُعد اختری، دهانه خود را به هاله ذهنی این افرادمی چسبانند و از این انرژی تغذیه میکنند. از این رو، وسوسه برای شیطان یک بازی تفننی نیست؛ یک ضرورت زیستی است. او اگر شما را به فکر گناه نیندازد و آن فکر را در ذهنتان تکرار نکند، از گرسنگی انرژی تلف میشود.
ساختارسلسله مراتبی ارسال موج:
موجودات‌زیرستاره ای‌سازمان یافته عمل میکنند. یک شیطان خرده پا شاید فقط بتواند یک فکر کوتاه (مثلًا نگاه به نامحرم) را القا کند، اما شیاطین «خناس» (به معنای‌پنهان شونده و عقب نشینی کننده)تخصص شان تکرار وسواسی فکر است.

ketabton.com - The Digital Library

آنها دکمه Loop ریموت کنترل را نگه میدارند. دسته بالاتر، شیاطین افتری (عفریت) هستند که قدرت دارند چندین انسان را به طور همزمان تحت پوشش فکری قرار دهند تا یک سناریوی جمعی (مثلًا یک دعوای خانوادگی یا یک شایعه ویرانگر) را اجرا کنند. بنابراین وقتی فکری به ذهنتان‌می آید، بدانید که پشت آن فکر ممکن است نه یک صدا، بلکه یک برج مراقبت تاریک با سلسله مراتب فرماندهی مشخص وجود داشته باشد.

۲.خاکستری ها و برنامه تلقیح ذهنی: تحلیل وسوسه به مثابه برداشت انرژی لاروی

اگر شیاطین را معادل «حشرات موذی» دنیای اختری بدانیم، موجودات خاکستری (Grey Aliens) را باید معادل «زیست شناسان آزمایشگاهی» و «مهندسان ژنتیک فرکانس» به شمار آوردیم. بررسی اسناد مربوط به‌ربودگی های فرازمینی (Abduction Phenomena) و تحقیقات محققانی چون دکتر «جان مک» و «دیوید جیکوبز»، نشان میدهد که‌خاکستری ها برخلاف تصور عمومی که آنها را موجوداتی کامًلا فیزیکی و سوار بر سفینه میداند، موجوداتی با قابلیت فرافکنی ذهنی و مدیریت واقعیت ادراکی هستند.

برنامه تلقیح ذهنی (Mental Inoculation): درزیست شناسی، تلقیح به معنای وارد کردن یک نمونه‌ضعیف شده از ویروس به بدن برای ایجاد ایمنی است. در حوزه فراروانشناسی تاریک، «برنامه تلقیح ذهنی‌خاکستری ها» به معنای وارد کردن یک سناریوی نمادین یا یک الگوی فکری خاص به ضمیر ناخودآگاه انسان است که در آینده، در زمان مقرر، فعال شود و رفتار او را کنترل کند.

ketabton.com - The Digital Library

تفاوت شیوه‌خاکستری ها با شیاطین:
· شیوه شیطانی: احساسی، فوری و پرحرارت. (مثال: «همین حالا عصبانی شو و داد بزن!»)
· شیوه خاکستری: خشک، علمی‌برنامه ریزی شده و با هدف برداشت انرژی لاروی بلندمدت.
انرژی لاروی (Loosh Energy): در برخی متون محرمانه و افشاگری های‌پیمان شکنان‌پروژه های مخفی (مانند پروژه مونتاوک)، به این نکته اشاره شده که‌خاکستری ها و تمدنهای همدست آنها از یک انرژی خاص تغذیه میکنند که از غده هیپوفیز و هیپوتالاموس انسان در هنگام تجربه هیجانات شدید ترشح میشود. این انرژی که «لارو» یا لوش نام دارد، وقتی بیشترین کیفیت را دارد که انسان بین دو راهی انتخاب (بر سر دوراهی اخلاقی) قرار بگیرد و راه تاریک را انتخاب کند. برای نمونه، وقتی شما بر سر دوراهی بخشیدن یا انتقام گرفتن هستید،لحظه ای که تصمیم به انتقام میگیرید، یک جهش عظیم انرژی لاروی آزاد میشود.
خاکستری ها به دلیل فقدان جسم عاطفی (روح)، قادر به تولید این انرژی در درون خود نیستند. بنابراین زمین و انسانها برایشان یک مزرعه برداشت انرژی لاروی است. برنامه تلقیح ذهنی یعنی ایجاد همان‌دوراهی های اخلاقی در ذهن انسان از طریق‌نمایش های ذهنی و رویاهای القایی. آنها از طریق‌وسوسه های بسیار منطقی و غیرشهوانی (مثلًا القای منطقی بودن یک خیانت مالی به خاطر بقای خانواده) عمل میکنند. این وسوسه «خاکستری» در لفافه عقلانیت پیچیده میشود و تشخیص آن از فکر اصیل بسیار دشوارتر از وسوسه هیجانی شیطان است.

ketabton.com - The Digital Library

۳. معماری تله فکری: چگونه یک فکر ناخوانده در ذهن‌لانه گزینی میکند؟

حال که با دو عامل اصلی ارسال سیگنال آشنا شدیم، باید سازوکار مهندسی معکوس ذهن را بررسی کنیم. یک فکروسوسه انگیز دقیقًا چه مسیری را طی میکند که از یک «سیگنال خارجی» به یک «وسواس درونی» تبدیل میشود؟ ما این فرایند را معماری تله فکری مینامیم. این معماری دارای چهار مرحله است:

مرحله اول: شکستن میدان محافظ (هاله ذهنی)

هر انسانی دارای یک میدان الکترومغناطیسی ظریف در اطراف بدن است که حاصل فعالیت قلب و مغز اوست. این میدان که در عرفان «حجاب نورانی» یا «حرز» خوانده میشود، مانند یک فیلتر ضد اسپم عمل میکند. وقتی انسان در حالت ذکر، آگاهی و حضور قلب باشد، فرکانس این میدان بسیار بالاست و امواج سنگین تاریکی توان عبور از آن را ندارند. اما کافی است انسان دچار غفلت شود؛ غفلت یعنی فرو رفتن در تخیلات پوچ، خیره شدن‌بی هدف به صفحه نمایش، یا بروز یک گناه جزئی. در این حالت شکافی در دیواره هاله ایجاد میشود. سیگنال وسوسه از این شکاف وارد میشود.

مرحله دوم:شباهت سازی (Masking)

فکر القایی هرگز با چهره واقعی خود وارد نمیشود. اگر یک فکر بگوید: «من از طرف شیطان هستم، بیا گناه کن»، حتی یک بچه پنج ساله هم آن را پس میزند. بنابراین نیروی تاریک از تکنیک نقاب زدن استفاده میکند. فکروسوسه انگیز زبان و لحن خود شما را تقلید میکند.

ketabton.com - The Digital Library

صدا در سرتان میگوید: «این عادلانه نیست که تو همیشه مظلوم واقع شوی!» (نقاب عدالتخواهی بر چهره انتقام). یا میگوید: «تو فقط یک بار زندگی میکنی، چرا لذت نبری؟» (نقاب فلسفه بر چهره شهوت).

مرحله سوم: واکنش بیوشیمیایی (قلاب شدن)

به محض اینکه شما آن فکر را باور کردید و به آن پاسخ «بله» ذهنی دادید، مغز شروع به ترشح مواد شیمیایی متناسب با آن فکر میکند (دوپامین برای طمع، کورتیزول برای ترس). این لحظه خطرناک است. حالا فکر دیگر فقط یک سیگنال خارجی نیست؛ یک تجربه جسمانی است. شما احساسش میکنید.معده تان منقبض میشود، قلبتان تند میزند. بدن که با این احساس درگیر شود، به ذهن پسخوراند میدهد که «این فکر واقعی و مهم است».

اینجاست که فکر ناخوانده در ذهن لانه کرده است.

مرحله چهارم: توجیه منطقی (سیمانکاری لانه)

در این مرحله، ذهن خودآگاه برای رهایی از عذاب وجدان ناشی از پذیرش فکر ناپاک، شروع به‌استدلال تراشی میکند. «من حق دارم عصبانی باشم چون دیروز فلانی این کار را کرد.» این توجیهات، تله فکری را مستحکم میکنند و اطمینان حاصل میکنند که فکر وسوسه انگیز برای مدت طولانی در ذهن مهمان ناخوانده بماند.

ketabton.com - The Digital Library

۴. حلقه‌بی پایان: علت تکراروسواس گونه یک گناه یا ترس خاص

آیا تا به حال برایتان پیش آمده که سالها از یک خاطره تلخ، یک ترس خاص از ارتفاع، یا یک وسوسه مکرر به یک گناه مشخص رنج ببرید و هر چه تلاش کنید نتوانید از آن خلاص شوید؟ این پدیده در روانشناسی «اختلال وسواس فکری-عملی» و در علم متافیزیک «حلقه‌بی پایان» (Endless Loop) یاقلاب گذاری انرژی نام دارد.

مکانیسم حلقه:

نیروی تاریک (چه شیطان و چه خاکستری) برای تضمین بقای منبع تغذیه خود، نیازی به نوآوری دائمی ندارد. یک قلاب انرژی کافی است. تصور کنید یک ماهیگیر یک قلاب تیز را با طعمه به دهان یک کوسه‌می اندازد. کوسه هر بار که تقلا میکند، قلاب بیشتر در گوشتش فرو میرود و او خون بیشتری از دست میدهد.

در ذهن انسان، قلاب یک فکر ثابت و دردناک است. (مثلًا: «اگر نمازهایم قبول نشود چه؟»، «همسرم به من خیانت میکند»، «من به فلان بیماری مبتلا میشوم»).

مراحل‌شکل گیری حلقه‌بی پایان:

1. القای اولیه: موجودیت تاریک یک سناریوی ترسناک یا یک تصویرتحریک آمیز را وارد ذهن میکند.

2. واکنش مقاومتی اشتباه: انسان‌وحشت زده میشود و سعی میکند به زور آن فکر را از ذهنش بیرون کند. او با خود میگوید: «نه! من نباید به این فکر کنم.» اما تلاش برای سرکوب فعالانه یک فکر، درست مثل این است که به کسی بگویید: «به فیل صورتی فکر نکن.» مغز برای اینکه بداند به چه چیزی فکر نکند، ابتدا باید تصویر آن را بسازد.

ketabton.com - The Digital Library

این تلاش برای بیرون راندن، خود تبدیل به تمرکز بر روی آن فکر میشود و آن را تقویت میکند.
3. تقویت انرژی: هر بار که شما از آن فکر میترسید، یک موج انرژی لاروی و آدرنالین به سمت فرستنده آن فکر روانه میشود. فرستنده (شیطان یا خاکستری) از این انرژی تغذیه میکند و قویتر میشود تا فردا دوباره همان فکر را برای شما بفرستد.
4. تغییر مسیر عصبی: پس از مدتی تکرار (معمولًا ۲۱ تا ۴۰ روز)، مسیر عصبی مربوط به آن فکر در مغز شما چنان قطور و هموار میشود که فکر مذکور بدون نیاز به القای خارجی، به صورت خودکار در مغز شما روشن میشود. شما به فرستنده فکر خودتان تبدیل‌شده اید. حالا شیطان کارش را به بهترین نحو انجام داده است؛ او رفته سراغ قربانی بعدی، ولی حلقه‌بی پایان در ذهن شما همچنان به کار خود ادامه میدهد.

تنها راه شکستن این حلقه، تکنیک «مشاهده بدون قضاوت» است. به جای فرار از فکر یا جنگیدن با آن، باید مانند تماشاچی سینما به آن نگاه کنید و بگویید: «آها، باز هم آمدی. این فقط یک موج است، نه حقیقت وجود من.» این کار باتری ریموت کنترل را خالی میکند.

ketabton.com - The Digital Library

۵. تغییر کانال ذهن:تکنیک های‌پارازیت اندازی نیروی تاریک بر روی شهود

تا اینجا درباره حمله مستقیم (وسوسه و ترس) صحبت کردیم. اما نیروی تاریک تکنیک‌پیچیده تری نیز دارد که از بمباران مستقیم خطرناکتر است: ایجاد پارازیت بر روی کانال شهود.

شهود (Intuition) یا «الهام قلبی»، آنتن دریافت امواج الهی و راهنمایی های جهان نور است. صدای شهود آرام، قاطع، بدون فوریت، و همراه با آرامش است. در مقابل، وسوسه پر سر و صدا، فوری و همراه با اضطراب است. نیروی تاریک به خوبی میداند که اگر ارتباط شما با شهود قطع شود، مانند هواپیمایی که در شب و در میان ابرها بدون سیستم ناوبری پرواز میکند، سرگردان خواهید شد و در نهایت به کوه تاریکی برخورد خواهید کرد.

تکنیک های‌پارازیت اندازی بر شهود:

۱. بمباران اطلاعاتی (Noise Floor):

یکی از موثرترین روشها برای خفه کردن صدای شهود، بالا بردن سطح نویز ذهنی است.رسانه های اجتماعی، اخبارفاجعه بار، موسیقی های با فرکانس پایین و مشغولیت دائمی به صفحه نمایش، مانند یک دستگاه‌پارازیت انداز قوی عمل میکنند. وقتی ذهن از هزاران دیتای بیهوده پر شده باشد، شنیدن زمزمه ظریف شهود غیرممکن است. نیروی تاریک نیازی ندارد به شما بگوید چه کار کنید؛ کافی است کاری کند که صدای فرشته راهنما را نشنوید.

ketabton.com - The Digital Library

۲. قفل کردن توجه در گذشته و آینده:
شهود فقط در «لحظه حال» صحبت میکند. شیطان وخاکستری ها استاد سفر در زمان ذهنی هستند. آنها شما را یا به گذشته میبرند (افسوس خوردن برای گناهان قدیمی یا حسرت‌موقعیت های از دست رفته) یا به آینده میبرند (نگرانی از فردا، ترس از فقر و بیماری). وقتی ذهن درگیرزمان های غیرموجود باشد، آنتن شهود از کارمی افتد.
۳.وارونه نمایی (Inversion):
در این تکنیک پیچیده، نیروی تاریک سیگنال شهود را دریافت کرده، آن را تحریف کرده و دوباره برایتان پخش میکند. مثلًا شهود به شما میگوید: «امروز در رانندگی مراقب باش.» این یک هشدار محافظ است. اما نیروی تاریک آن را ربوده و به وسوسه تبدیل میکند: «امروز حتمًا تصادف میکنی! نرو! بترس!» در این حالت، شمانمی توانید فرق بین هشدار الهی و تهدید شیطانی را تشخیص دهید. پارازیت به قدری ماهرانه است که انگار رادیو را روی موج FM تنظیم‌کرده اید ولی صدای‌خش خش و جیغ پارازیت، موسیقی اصلی را گم کرده است.

ketabton.com - The Digital Library

نتیجه گیری فصل اول:

در این فصل دریافتیم که ذهن ما میدان نبرد امواج است. در یک سو موجودات‌زیرستاره ای با شگردهای هیجانی و تکراری به دنبال تغذیه آنی از انرژی ترس و شهوت ما هستند و در سوی دیگر تمدن های‌مداخله گر خاکستری بابرنامه های تلقیح ذهنی بلندمدت، ما را درتله های منطقی و نمادین گرفتار میکنند. ما فهمیدیم که فکر فقط یک رویداد شخصی نیست؛ بلکه میتواند حاصل معماری دقیق یک «تله» باشد که مرحله به مرحله از هاله ذهنی عبور کرده، نقاب دوستی به چهره زده و در نهایت با حلقه‌بی پایان وسواس، ما را به باتری انسانی تبدیل میکند. اما این پایان ماجرا نیست. در فصل دوم خواهیم دید که چگونه این امواج تاریک از طریق‌انسان های دیگر که خودشان قربانی تسخیر فکری هستند، وارد زندگی ما میشوند وفاجعه بارتر از آن، چگونه ما خودمان ناآگاهانه به رابط و آنتن پخش امواج تاریک برای عزیزانمان تبدیل میشویم. ریموت کنترل ذهن، گاهی نه در دست یک شیطان نامرئی، بلکه در دست همسر، پدر یا دوستی است که کنارمان نشسته است.

ketabton.com - The Digital Library

فصل دوم
آنتن های زمینی؛ انسان در مقام ریموت کنترل

در فصل اول با مهندسان نامرئی امواج منفی آشنا شدیم؛ موجوداتی که در اتر زندگی میکنند و از انرژی روانی انسان تغذیه می نمایند. اما اگر نیروی تاریک فقط به ارسال مستقیم سیگنال از بُعد خودش محدود بود، قدرت تخریبش بسیار کمتر از آن چیزی بود که امروز در جوامع بشری شاهد آن هستیم. نیروی تاریک برای نفوذعمیق تر و ماندگارتر، از یک سلاح بسیارخطرناک تر استفاده میکند:انسان های دیگر.
انسانی که خودش تحت تأثیرفرکانس های‌زیرستاره ای یا برنامه های تلقیح ذهنی‌خاکستری ها قرار گرفته، ناخودآگاه به یک آنتن‌تقویت کننده و یک بلندگوی زمینی برای همان امواج تبدیل میشود. اینجاست که فاجعه شکل واقعی خود را نشان میدهد. شما شاید بتوانید در خلوت خود، در برابروسوسه های درونی مقاومت کنید و زمزمه شیطان را نادیده بگیرید. اما وقتی همان حرف از دهان مادرتان، همسرتان، یا بهترین‌دوست تان خارج میشود، مقاومت در برابرش هزاران بارسخت تر میگردد. در این فصل، ما پرده از راز «رابط تسخیرشده» برمیداریم؛ انسانی که بدون آنکه خود بداند، ریموت کنترل ذهن دیگران را در دست گرفته و دکمه های آن را به نفع نیروی تاریک فشار میدهد.

ketabton.com - The Digital Library

۱. دهان شیطان، گوشت انسان: مفهوم «رابط تسخیرشده» در خانواده و جامعه

برای درک عمق این فاجعه، ابتدا باید مفهوم «رابط» یا «واسطه تسخیرشده» را دقیق تعریف کنیم. در متون مقدس و عرفانی، بارها به این حقیقت اشاره شده که شیطان برای فریب‌انسان های قوی و باایمان، ازانسان های‌ضعیف تر یا غافل استفاده میکند. قرآن کریم میفرماید: «إِنَّما يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلا غُرُورًا» (شیطان به آنها وعده میدهد و آرزومی افکند، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمیدهد). اما آنچه کمتر بدان پرداخته شده، ابزار انتقال این‌وعده ها و آرزوهای دروغین است.

تعریف رابط تسخیرشده:

رابط تسخیرشده فردی است که اراده‌آگاهانه اش در کنترل نیروی تاریک نیست، اما گفتار و رفتارش دقیقًا در راستای اهداف نیروی تاریک عمل میکند. او مانند یک بلندگوی بیسیم است که به سیستم صوتی شیطان متصل شده. خود بلندگو نمیداند چه صدایی از آن پخش میشود؛ فقط امواج را دریافت و تقویت میکند.

ویژگی های یک رابط تسخیرشده:

۱. عدم آگاهی از منبع: رابط تقریبًا هرگز نمیداند که حرفی که میزند، درست همان‌وسوسه ای است که دیشب در ذهن مخاطبش چرخیده بود. او فکر میکند دارد «دلسوزی» میکند، «نصیحت» میدهد، یا «حقیقت» را میگوید.

۲. ارتباط عاطفی عمیق: نیروی تاریک معمولًارابط ها را از میان نزدیک ترین افراد به قربانی انتخاب میکند. والدین، همسر، فرزند، یا دوست صمیمی.

ketabton.com - The Digital Library

چرا؟ چون در این روابط، دیوار دفاعی ذهن پایین است. ما در برابر حرف غریبه گارد داریم، اما حرف مادر را با جان و دل میپذیریم.
۳. توجیه اخلاقی قدرتمند: حرفی که از دهان رابط خارج میشود، معمولًا بالفافه ای از خیرخواهی، منطق، یا سنت پوشیده شده است. مثلًا مادری که به دخترش میگوید: «همه مردها خیانتکارند، مواظب خودت باش»، فکر میکند دارد از فرزندش محافظت میکند. اما در حقیقت، او در حال کاشتن بذربی اعتمادی و ترس در ذهن دخترش است؛ بذری که محصول آن، نابودی زندگی زناشویی آینده او خواهد بود. این دقیقًا همان چیزی است که شیطان میخواهد.
رابط در مقیاس اجتماعی:
این پدیده فقط در خانواده محدود نمیشود. در سطح جامعه، رسانه ها، معلمان ناآگاه، و رهبران فکری منحرف میتوانند نقش رابط تسخیرشده را برای میلیونها انسان ایفا کنند. یک مجری تلویزیونی که دائمًا ترس از فقر را القا میکند، یا یک اینفلوئنسر که سبک زندگی‌مصرف گرایانه و خودنمایانه را ترویج میدهد، در حقیقت دهان شیطان است در کالبدی انسانی. او شاید خودش هم نداند که دارد به کدام ارباب خدمت میکند، اما اثر کار او چیزی جز تقویت‌فرکانس های‌زیرستاره ای در جامعه نیست.

نکته تراژیک ماجرا اینجاست: رابط، خودش قربانی است قبل از آنکه جلاد باشد. او ابتدا توسط همان نیروی تاریک تسخیر فکری شده، سپس به عنوان یک آنتن‌تقویت کننده برای شکار قربانیان جدید به کار گرفته میشود.

ketabton.com - The Digital Library

۲. وقتی مادر آنتن شیطان میشود: القای ترس و دلسوزی سمی در حریم خانه

هیچ رابطی به اندازه مادر (و به طور کلی والدین) برای نیروی تاریک ارزشمند و کارآمد نیست. دلیل این امر ساده است: کودک و نوجوان، ذهنش در حالت «دریافت مطلق» (Open Mind) قرار دارد. او هنوز فیلترهای انتقادی و قدرت تفکیک کامل را نیاموخته است. هر کلامی که از دهان مادر خارج شود، مستقیمًا در ضمیر ناخودآگاه کودک حک میشود و سنگ بنای شخصیت وجهان بینی او را در بزرگسالی میسازد.

مکانیسم تبدیل مادر به آنتن:

مادر از روی عشق و نگرانی عمل میکند. این بزرگترین نقطه ضعفی است که شیطان از آن سوءاستفاده میکند. نیروی تاریک، فکر وسوسه انگیز را در قالب «دلسوزی» به مادر القا میکند. بیایید چند نمونه از این «دلسوزی سمی» را بررسی کنیم:

نمونه اول: القای ترس از فقر و ناامنی

· زمزمه شیطانی در ذهن مادر: «دخترت داره بزرگ میشه. اگه نتانه شوهر پولداری پیدا کنه، بدبخت میشه. تو باید برایش بفهمانی که عشق مهم نیست، پول مهم است.»

· کلام مادر به دختر: «عزیزم، من فقط خیر تو را میخواهم. با عشق که نمیشه شکم را سیر کرد. ببین‌خاله ات چه بلایی سرشان آمد. حواست را جمع کن، با هر کسی ازدواج نکن.»

· نتیجه در ذهن دختر: نهادینه شدن طمع به جای عشق، و بی اعتمادی به مردان به جای همدلی.

ketabton.com - The Digital Library

این دختر در آینده یا ازدواج نمیکند (چون هیچکس به اندازه کافی پولدار نیست) یا ازدواجی سراسرمحاسبه گری مالی دارد که عاری از صمیمیت است. شیطان دقیقًا به هدفش رسیده: تخریب بنیان خانواده.

نمونه دوم: القای حسادت و مقایسه

· زمزمه شیطانی: «پسر همسایه را ببین چقدر موفق است. پسر تو چرا اینطوری نیست؟ برایش بگو که آبروی خانواده را برده است.»

· کلام مادر: «الهی بمیرم برایت. من غصه میخورم که تو چرا فلانی نمیشی. من دارم از خجالت آب میشم.»

· نتیجه در ذهن پسر: احساس‌بی ارزشی بنیادین و خشم سرکوبشده نسبت به مادر و جامعه. این خشم، دروازه ورود شیاطین خشن وانتقام جو به ذهن فرد است.

دلسوزی سمی: نقاب شیطان بر چهره فرشته

وجه تمایز دلسوزی سالم از دلسوزی سمی در نتیجه آن است.

دلسوزی سالم به فرد قوت قلب، آرامش و راهکار عملی میدهد.

دلسوزی سمی به فرد احساس ضعف، ترس، ناامیدی و وابستگی بیمارگونه تزریق میکند. مادری که آنتن شیطان شده، نمیداند که هر بار با این جملات، در حال تغذیه انرژی شیطان از طریق‌اشک ها و نگرانی های فرزندش است. او فکر میکند دارد مادری میکند، اما در حقیقت دارد نقش یک عامل مخرب را در پروژه شیطان ایفا میکند.

ketabton.com - The Digital Library

۳. دوستان خاکستری: انسانهایی که ناخودآگاه فرکانس اغوا را تقویت میکنند

اگر مادر را آنتن امواج ترس و غم بدانیم، دوستان و همسالان نقش آنتن امواج اغوا و طغیان را ایفا میکنند. ما این دسته ازرابط ها را به تأسی از عاملان فرازمینی فصل اول، «دوستان خاکستری» می نامیم. این افراد لزومًاآدم های بد ذات یا شروری نیستند؛ بلکه خودشان در چرخه وسوسه گرفتارند و ناآگاهانه دیگران را هم به این چرخه دعوت میکنند.

ویژگی های دوست خاکستری:

۱. ناقل فکر، نه‌عمل کننده: دوست خاکستری لزومًا خودش مرتکب گناه کبیره نمیشود، اما فضای ذهنی گناه را برای دیگران فراهم میکند. او کسی است که دائمًا درباره روابط خارج از عرف شوخی میکند، مدام ازخیانت های دیگران با آب و تاب تعریف میکند، یا فیلم ها وموسیقی هایی را پیشنهاد میدهد که فرکانس اغوا دارند.

۲. شکستن قبح ذهنی: بزرگترین خدمتی که یک دوست خاکستری به نیروی تاریک میکند،عادی سازی گناه است. وقتی یک فکر وسوسه انگیز در ذهن شما به وجودمی آید، هنوز با آن غریبه هستید و احساس گناه میکنید. اما وقتی‌دوست تان با خنده میگوید: «بابا همه این کا را میکنن، تو چرا اینقدر سخت میگیری؟»، آن احساس گناه در شما خنثی میشود. این‌خنثی سازی، آخرین سد دفاعی ذهن است که فرومی ریزد. حالا دیگر راه برای ورود کامل فکر القایی و تبدیل آن به عمل باز شده است.

ketabton.com - The Digital Library

۳.تقویت کننده منطق وارونه: دوست خاکستری در توجیه گناه استاد است. او میتواند یک خیانت زناشویی را با عناوینی چون «حق طبیعی»، «خودشناسی» یا «انتقام از جامعه مردسالار» توجیه کند. این توجیهات، دقیقًا همان سیمانکاری تله فکری است که در فصل اول‌درباره اش صحبت کردیم.

تفاوت وسوسه درونی با وسوسه اجتماعی:

وسوسه ای که در خلوت و از درون‌می آید، اغلب با اضطراب همراه است. فرد حس میکند دارد کار اشتباهی انجام میدهد. اما وسوسه ای که از طریق دوست خاکستری منتقل میشود، با هیجان جمعی و تأیید اجتماعی همراه است. این نوع وسوسه بسیار کشنده تر است، زیرا انسان موجودی اجتماعی است و تأیید گروه، قوی ترین محرک رفتاری اوست. شیطان به خوبی میداند که اگر بتواند یک گروه پنج نفره را آلوده کند، نفر ششم بدون هیچ مقاومتی تسلیم خواهد شد، چون‌نمی خواهد از گله عقب بماند.

هشدار مهم:

این بحث به معنای نفی دوستی و رفاقت نیست. بلکه دعوتی است به هوشیاری در انتخاب دوست و مهمتر از آن، هوشیاری در مکالمات روزمره. یک دوست واقعی کسی است که وقتی شما در حال سقوط در پرتگاه وسوسه هستید، دستتان را بگیرد، نه اینکه از بالای پرتگاه برایتان دست تکان دهد و بگوید: «بپر، ترس نداره!»

ketabton.com - The Digital Library

۴. نشانگان مترجم تاریکی: چرا فلان حرف همسایه دقیقًا همان وسوسه ذهنی دیشب شما بود؟

این یکی از مرموزترین و در عین حال رایج ترین پدیده ها در حوزه ریموت کنترل ذهنی است. صحنه را تصور کنید: شب گذشته در بستر خواب، فکری آزاردهنده ووسوسه انگیز به ذهنتان خطور کرد. فکری که با خود گفتید: «این فکر از من نیست. این از شیطان است.» شما با آن فکر جنگیدید و آن را موقتًا عقب راندید. صبح روز بعد، در راه خرید نان،همسایه ای رامی بینید که چندان هم با او صمیمی نیستید. او بعد از سلام و علیک گرم، ناگهان دقیقًا همان جمله یا مضمونی را به زبان‌می آورد که دیشب در ذهن شما چرخیده بود.

این پدیده را «نشانگان مترجم تاریکی» (Dark Translator Syndrome)می نامیم. اما چگونه یک همسایه یا یک غریبه میتواند بدون هیچ اطلاعی از احوالات درونی شما، دقیقًا فرکانس وسوسه شب‌گذشته تان را تکرار کند؟

مکانیسم پشت پرده:هاله های متصل و میدان مورفوژنتیک

بر اساس نظریه میدان مورفوژنتیک (Morphogenetic Field) که توسط‌زیست شناسی به نام روپرت شلدریک مطرح شده، تمام موجودات از طریق یک میدان اطلاعاتی نامرئی به هم متصل هستند. افکار و احساسات ما امواجی هستند که در این میدان منتشر میشوند. وقتی شما شب گذشته با یک فکروسوسه انگیز درگیر بودید، در واقع یک موج اطلاعاتی با محتوای آن فکر را در میدان اطرافتان منتشرکرده اید.

ketabton.com - The Digital Library

حال، انسانی که در آن نزدیکی زندگی میکند و فرکانس‌ذهنی اش به دلایلی (گناه، غفلت، یا تسخیر خودش) با فرکانس تاریک هماهنگ است، مانند یک رادیو که روی موج شما تنظیم شده باشد، این سیگنال را به صورت ناخودآگاه دریافت میکند. ذهن او این سیگنال را به عنوان یک فکر الهامی یا یک حرف مناسب برای گفتن در آن لحظه تفسیر میکند. او فکر میکند دارد یک گفتگوی معمولی انجام میدهد، اما در حقیقت دارد متن دیکته شده توسط شیطان را برای شما بازخوانی میکند.

هدف از این نمایش هماهنگ چیست؟

هدف اصلی، کوبیدن آخرین میخ بر تابوت مقاومت شماست. وقتی یک فکر فقط در درون شما نجوا میشود، هنوز میتوانید به خودتان بقبولانید که «این وسوسه است و واقعیت ندارد». اما وقتی همان حرف از دهان یک انسان دیگر و در جهان بیرون مطرح میشود، ناخودآگاه شما فریب میخورد و میگوید: «پس حتمًا این فکر درست بوده که دیگران هم دارند همین را میگویند! انگار همه دنیا دارند من را به این کار تشویق میکنند.»

این همان‌لحظه ای است که نیروی تاریک منتظرش بود. او با استفاده از یک انسان دیگر (مترجم تاریکی)، به وسوسه درونی شما اعتبار بیرونی بخشیده است. حالا دیگر مقاومت برایتان بسیار دشوارتر خواهد بود، چون نه فقط با خودتان، بلکه با «شواهد عینی» نیز روبرو هستید.

ketabton.com - The Digital Library

نشانه های تشخیص مترجم تاریکی:
· تصادفی بودن بیش از حد: موضوع گفتگو هیچ ربطی به جریان عادی زندگیتان ندارد و ناگهانی مطرح میشود.
· تأکید غیرعادی: گوینده با لحنی خاص و نافذ جمله را ادا میکند، انگار که خودش هم نمیداند چرا اینقدر روی این موضوع تأکید دارد.
· احساس دژاوو (آشناپنداری): شما در آن لحظه احساس میکنید این صحنه را قبلًا در خواب‌دیده اید یا اینکه «انگار یک نفر از داخل ذهن من حرف میزند.»

شناخت این نشانگان به شما کمک میکند تا در دام نیفتید. وقتی همسایه یا همکارتان ناگهان شروع به تکرار وسوسه دیشب شما کرد، به جای تعجب و تسلیم، در دل لبخندی بزنید و بگویید: «آها، فهمیدم. باز شیطان آمده سراغم، ولی این بار مأمورش را فرستاده.»

ketabton.com - The Digital Library

۵. تسخیر شدگی خاموش: آیا القاگر زمینی میداند که ریموت کنترل دست کیست؟

و اما بزرگترین سؤال و دردناکترین بخش ماجرا: آیا مادری که ترس را در دل فرزندش میکارد، آیا دوستی که رفیقش را به گناه تشویق میکند، آیاهمسایه ای که ناگهان حرف شیطان را ترجمه میکند، خودش میداند که چه کار دارد میکند؟

پاسخ پیچیده و چندلایه است. در اکثریت قریب به اتفاق موارد، پاسخ «نه» است.پدیده ای که ما با آن روبرو هستیم «تسخیر شدگی خاموش» (Silent Possession) نام دارد. این نوع تسخیر با آنچه درفیلم های ترسناک‌می بینیم (چرخش سر ۳۶۰ درجه و صحبت کردن با صدای شیطان) کامًلا متفاوت است.

تسخیر شدگی خاموش بسیار ظریف، متمدنانه و غیرقابل تشخیص است.

درجات تسخیر شدگی خاموش:

درجه یک: نفوذ فکری (Mental Influence)

در این حالت، فرد هنوز کنترل کامل بر اراده خود دارد، اما افکارش به طور نامحسوسی توسط یک عامل خارجی‌جهت دهی میشود. مادری که همیشه نگران است، این نگرانی را از خودش میداند. او نمیداند که یک موجودزیرستاره ای سالهاست که روی‌زخم های عاطفی او دست گذاشته ونگرانی اش را از حد طبیعی به حد وسواس وتخریب گری رسانده است. او فکر میکند دارد محبت میکند، غافل از اینکه ریموت کنترل ذهنش در دست مهندس موج منفی است و دکمه «ترس» را دائمًا در حال فشردن است.

ketabton.com - The Digital Library

درجه دو: وسواس گفتاری (Verbal Obsession)
در این مرحله، فرد تبدیل به بلندگوی اتوماتیک میشود. جملاتی خاص، شعارهایی تکراری، یا هشدارهایی‌کلیشه ای دائمًا از دهانش خارج میشود بدون آنکه فکر کند این جملات چه تأثیری بر شنونده دارند. مثال بارز آن، والدینی هستند که برای هر مشکلی فقط یک جمله دارند: «ما این همه زحمت کشیدیم، تو قدر آنرا نمیدانی.» این جمله مانند یک نوار ضبط شده است که با فشار دادن دکمه ریموت کنترل توسط شیطان پخش میشود. خود پدر یا مادر از تکرار این جمله خسته نمیشوند، چون فکر نمیکنند که دارند حرف میزنند؛ بلکه یک برنامه از پیش ضبط شده در حال اجراست.
درجه سه: شخصیت دوگانه موقت (Temporary Split)
در موارد نادرتر و شدیدتر، فرد برای لحظاتی کوتاه کامًلا تحت اختیار نیروی تاریک قرار میگیرد. مثًلا در یک مشاجره خانوادگی، ناگهان چشمان فرد برق میزند و حرفی را میزند که بعدًا خودش باور نمیکند که گفته باشد. او بعدًا میگوید: «نمیدانم چه شد. یک لحظه کنترلم از دستم رفت. اصًلا منظوری نداشتم.»
این دقیقًا همان‌لحظه ای است که رابط، کنترل کامل کانال را به ارباب موج واگذار کرده است. در آن چند ثانیه، دهان شیطان به معنای واقعی کلمه از گوشت و خون این انسان استفاده کرده است تا زهر کلام را به قلب عزیزانش بپاشد.
پرسش اخلاقی: مسئولیت رابط تسخیرشده چیست؟
آیا کسی که نمیداند ریموت کنترل دست کیست، گناهکار است؟ از منظر حقوقی و انسانی، شاید پاسخ منفی باشد. اما از منظر معنوی و متافیزیکی، ناآگاهی عذر موجه نیست.

ketabton.com - The Digital Library

هر انسانی مسئول مراقبت از فرکانس ذهن خویش است. اگر کسی دائمًا در حال پخش امواج منفی است، حتی اگر خودش خبر نداشته باشد، نشان میدهد که خودش سالهاست در دام نیروی تاریک گرفتار شده و اقدامی برای رهایی خود نکرده است. او با سهل انگاری در تصفیه ذهن خود، به یک خطر برای دیگران تبدیل شده است.

ketabton.com - The Digital Library

نتیجه گیری فصل دوم:

در این فصل، از آسمان امواج نامرئی به زمین ارتباطات انسانی فرود آمدیم و دریافتیم که‌خطرناک ترین سلاح نیروی تاریک، خود انسانها هستند. ما دیدیم که چگونه یک مادر دلسوز میتواند آنتن شیطان شود، چگونه یک دوست صمیمی فرکانس اغوا را تقویت میکند، و چگونه یک غریبه در کوچه و خیابان میتواند نقش مترجم وسوسه های درونی ما را ایفا کند.

پیام اصلی این فصل یک هشدار جدی و در عین حال یک دعوت به بیداری و عطوفت است. هشدار از این جهت که باید مراقب کسانی باشیم که به حریم‌ذهن مان راه میدهیم. و عطوفت از این جهت که بدانیم آن مادر مضطرب، آن دوست‌منحرف کننده، و آن همسایه فضول، خودشان قربانیان یک جنگ فرکانسی بزرگتر هستند. آنها ریموت کنترل را در دست دارند ودکمه ها را فشار میدهند، اما باتری ریموت کنترل را نیروی تاریک شارژ میکند.

در خلاصه نهایی این کتاب، خواهیم آموخت که چگونه باتری این ریموت کنترل را از کار بیندازیم و ارتباط میان آنتن زمینی و ارباب موج را برای همیشه قطع کنیم. زیرا تا وقتی سکوت نکنیم و به زمزمه های درون و فریادهای بیرون گوش نسپاریم، ریموت کنترل همچنان در دستان ناپیدای تاریکی خواهد چرخید.

ketabton.com - The Digital Library

خلاصه ونتیجه گیری
قطع سیگنال،بازپس گیری کنترل

اکنون به انتهای این سفر تاریک و در عین حال روشنگرانه رسیده ایم. ما در مقدمه دریافتیم که ذهن انسان یک آنتن همیشه روشن است. در فصل اول با مهندسان نامرئی این امواج؛ از شیاطین‌زیرستاره ای گرفته تابرنامه ریزان خاکستری آشنا شدیم. در فصل دوم نیز با دردناکترین حقیقت روبرو شدیم: اینکه گاهی نزدیک ترین عزیزانمان، ناآگاهانه به بلندگوهای(لاوداسپیکر های) زمینی این نیروهای تاریک تبدیل میشوند.

اما هدف از نگارش این کتاب، صرفًا ایجاد ترس یا بدبینی نسبت به اطرافیان نبود. هدف، بیداری بود. بیداری از خواب غفلتی که در آن، هر فکری را که به ذهنمان‌می آید، از آِن خودمی پنداریم و هر حرفی را که از دهان عزیزانمان خارج میشود، حقیقت محض می پنداریم. اکنون که دشمن راشناخته ایم و ترفندهایش را آموخته ایم، زمان آن فرا رسیده است که ریموت کنترل ذهن خود را از دستان ناپیدای تاریکی بیرون بکشیم و باتری آن را از کار بیندازیم.

این بخش پایانی، یک نقشه راه عملی است. در اینجا سه گام اساسی برای قطع سیگنال و اعلام استقلال ذهنی را با هم مرور میکنیم وتمرین هایی ملموس برای اجرا در زندگی روزمره ارائه میدهیم.

ketabton.com - The Digital Library

۱. شناسایی کد منبع: تمرین عملی برای تفکیک ندای درون از «القای بیرون»

اولین و مهمترین گام برای‌بازپس گیری کنترل، شناسایی منبع فکر است. تا زمانی که ندانیم کدام فکر از خودمان است و کدام فکر از شیطان، کدام الهام از فرشته است و کدام تلقین از یک دوست خاکستری، در میدان مین حرکت میکنیم. خوشبختانه، افکار القایی دارای امضای فرکانسی مشخصی هستند که با کمی تمرین میتوان آنها را شناسایی کرد.

تمرین عملی شماره ۱: تست‌سه گانه‌منبع یابی فکر

هرگاه فکری به ذهنتان خطور کرد، به ویژه اگر آن فکر هیجانی، فوری، یا تکرارشونده بود، فورًا آن را از صافی این سه پرسش عبور دهید. این سه پرسش مانند یک دستگاه فیلتر اسپم ذهنی عمل میکنند:

پرسش اول: آیا این فکر مرا به «لحظه حال»می آورد یا از آن دور میکند؟

· فکر اصیل و الهی: معمولًا با آرامش همراه است و شما را به اکنون و اینجا متصل میکند. مثلًا: « وقت نماز است. برخیز.»

· فکر القایی تاریک: شما را یا به گذشته پرتاب میکند (حسرت، افسوس، خاطره گناه) یا به آینده (ترس از فقر، نگرانی از مرگ، خیال پردازی جنسی). هر فکری که تو را از لحظه حال بیرون بکشد و در زمان سیر دهد، مشکوک است.

ketabton.com - The Digital Library

پرسش دوم: آیا این فکر با «اجبار» و «فوریت» همراه است؟
· فکر اصیل: پیشنهاد میدهد، اما اجبار نمیکند. میگوید: «بهتر است فلان کار را بکنی.» و سپس ساکت میشود و اختیار را به تو واگذار میکند.
· فکر القایی: فریاد میزند: «همین حالا! وگرنه دیر میشود!» یا «اگر این کار را نکنی، فلان بلا سرت‌می آید.» این احساس فوریت و اضطراب، امضای شیطان است. نور الهی هرگز عجله ندارد، زیرا مطمئن است که حقیقت پیروز است.
پرسش سوم: نتیجه عمل به این فکر چیست؟ (به افق بلندمدت نگاه کن)
· فکر اصیل:نتیجه اش حتی اگر درکوتاه مدت سخت باشد (مثل ترک یک عادت بد)، در بلندمدت آرامش، عزت، و رشد به همراه دارد.
· فکر القایی:نتیجه اش درکوتاه مدت لذت آنی است، اما در بلندمدت پشیمانی، خواری، تخریب روابط، و دوری از خدا.

تمرین عملی شماره ۲: دفترچه ردیابی سیگنال

به مدت یک هفته، یک دفترچه کوچک کنار خود داشته باشید. هر بار که یک فکر وسواسی، ترسناک، یاوسوسه انگیز به‌سراغ تان آمد، موارد زیر را سریعًا یادداشت کنید:
۱. متن فکر: دقیقًا چه‌جمله ای در ذهنتان پیچید؟
۲. زمان و مکان: کجا بودید؟ چه ساعتی بود؟ (بسیاری از حملات ذهنی در ساعات خاصی مثل‌نیمه شب یا هنگام تنهایی رخ میدهند.)
۳. احساس بدنی: آیا ضربان قلبتان بالا رفت؟ آیامعده تان منقبض شد؟

ketabton.com - The Digital Library

پس از یک هفته، با نگاه کردن به این دفترچه، الگوهای حمله را کشف خواهید کرد. خواهید دید که یک موضوع خاص (مثلًا ترس از آینده مالی) دقیقًا چه‌زمان هایی و با چه محرکی فعال میشود. این آگاهی، به تنهایی ۵۰٪ قدرت آن فکر را خنثی میکند. وقتی شیطان ببیند شما الگوی بازی او را کشف‌کرده اید، مانند دزدی که فهمیده‌صاحب خانه دوربین مداربسته نصب کرده،عقب نشینی میکند.

۲. قطع رابطه با ماهواره تاریکی: چگونه از ایفای نقش «رابط» برای دیگران خودداری کنیم؟

شناسایی افکار القایی در درون خودمان، تنها نیمی از راه است. نیمه دشوارتر ماجرا این است که خودمان ناآگاهانه به رابط تسخیرشده برای دیگران تبدیل نشویم. به یاد داریم که در فصل دوم گفتیم مادری که از روی دلسوزی سمی، ترس را در دل فرزندش میکارد، نمیداند که آنتن شیطان شده است. چگونه میتوانیم مطمئن شویم که ما نیز ناخواسته در حال فشار دادن دکمه های ریموت کنترل برای عزیزانمان نیستیم؟

تمرین عملی شماره ۳: فیلترسه ثانیه ای قبل از سخن

قبل از آنکه دهانتان را برای نصیحت کردن، ابراز نگرانی، یا حتی شوخی باز کنید، سه ثانیه مکث کنید و این سه سؤال را در ذهنتان مرور کنید. این سه ثانیه، فاصله میان آنتن بودن و انسان آگاه بودن است:

ketabton.com - The Digital Library

۱. منبع حرف من چیست؟
آیا این حرف را از روی آگاهی و تجربه شخصی مثبت میزنم، یا از روی‌ترس ها وعقده های‌حل نشده خودم؟ مثلًا اگر به دوستم میگویم: «ازدواج نکن، زندگی سخت میشه»، آیا این حاصل تجربه موفق من در حل مشکلات زندگی است، یا حاصل شکست خودم در زندگی زناشویی که حالا میخواهم آن را به دیگران تعمیم دهم؟ اگر منبع حرف شما یک زخم کهنه ودرمان نشده است، سکوت کنید. شما در آستانه تبدیل شدن به یک رابط تاریک هستید.
۲. آیا این حرف به شنونده «قوت قلب» میدهد یا «ترس»؟
نتیجه حرف شما در شنونده چیست؟ اگر حرف شما باعث میشود او احساس ضعف، ناامیدی، ترس از آینده، یا وابستگی بیمارگونه به شما پیدا کند، آن حرف را قورت بدهید. حرفی که از دهان شیطان خارج میشود، انسان رازمین گیر میکند. حرفی که از دهان یک انسان بیدار خارج میشود، به انسان بال پرواز میدهد. حتی اگر حقیقت تلخی است، باید با روکشی از امید و راهکار ارائه شود.
۳. آیا من در جایگاهی هستم که این حرف را بزنم؟
آیا شنونده از من درخواست راهنمایی کرده است؟ بسیاری از ما عادت داریم بدون آنکه کسی از ما نظری خواسته باشد، شروع به سم پاشی فکری میکنیم. این دقیقًا شیوه کار شیطان است. او نظر کسی رانمی پرسد، فقط سیگنال میفرستد. اگر کسی از شما نظر نخواسته، سکوت کنید. سکوت در این مواقع، نه‌بی تفاوتی، بلکه قدرتمندانه ترین عمل در برابر نیروی تاریک است. شما با سکوت، از تبدیل شدن به بلندگوی شیطان خودداری میکنید.

ketabton.com - The Digital Library

تمرین عملی شماره ۴: پاکسازی واژگان فرکانس پایین

لیستی از کلمات و عباراتی که مکررًا در خانواده یا جمع دوستانتان استفاده میکنید تهیه کنید. سپس بررسی کنید که بار فرکانسی این کلمات چیست. به عنوان مثال:

· عبارات تاریک (حذف شوند): «همه بدبختیم.»، «دیگر از این خرابه چیزی بدست‌نمی آید.»، «به تو چه ربطی داره، به من چه.»، «تو نمیتانی.»

· عبارات نوری (جایگزین شوند): «ما از این مرحله هم عبور میکنیم.»، «خدا بزرگ است.»، «من به تو ایمان دارم.»، «ببینیم چه درسی در این ماجرا هست.»

با تغییر ورودی کلامی که به دیگران میدهید، عمًلا آنتن خود را از ماهواره تاریکی جدا کرده و به شبکه نور متصل میکنید.

ketabton.com - The Digital Library

۳. اعلام استقلال ذهنی: پایان دادن به قرارداد نانوشته تسخیر فکری

گام نهایی، یک اقدام درونی و روحی است که باید با آگاهی و قاطعیت انجام شود. سالها زندگی تحت تأثیر امواج القایی، باعث ایجاد یک قرارداد نانوشته و ناخودآگاه میان ذهن شما و نیروی تاریک شده است. بر اساس این قرارداد، شماپذیرفته اید که هر فکری که به ذهنتان‌می آید را جدی بگیرید و هر ترسی که احساس میکنید را واقعیت بپندارید. برای‌بازپس گیری کامل کنترل، این قرارداد باید به طور رسمی و آگاهانه فسخ شود.

تمرین عملی شماره ۵: بیانیه حاکمیت ذهنی

این یک تمرین ساده اما بسیار قدرتمند است. در یک زمان خلوت (ترجیحًا هنگام طلوع آفتاب یانیمه شب که امواج مزاحم کمتر است)، رو به قبله بنشینید و با صدای بلند یا در دل، متن زیر را با نیت قلبی و قاطع بخوانید. خواندن با صدای بلند بهتر است زیرا امواج صوتی اراده شما را در میدان اطرافتان حک میکند.

متن بیانیه:

«به نام خدای نور و آگاهی. من، (نام خود را بگویید)، از این لحظه اعلام میکنم که ذهن من، حریم مقدس و قلمرو شخصی من است. من مالک یگانه‌فرکانس های ذهن خویش هستم. به فرمان خداوند، من هرگونه قرارداد نانوشته، موروثی، یا تحمیلی را که در آن به نیروهای تاریک، شیاطین، موجودات‌زیرستاره ای، و هرگونه عامل مداخله گر دیگر، اجازه ورود به ذهنم، وسوسه قلبم، یا استفاده از من به عنوان رابط داده شده باشد، باطل و فسخ مینمایم.

ketabton.com - The Digital Library

من متعهد میشوم که از این پس، نگهبان آگاه دروازه ادراک خویش باشم. من فقط به افکاری اجازه ورود میدهم که مبدأ آنها نور الهی، شهود پاک، و خرد درونی خودم باشد. افکاری که با ترس، فوریت، و اجبار همراهند، از این پس در ورودی ذهن من شناسایی و بازگردانده میشوند.

من از ایفای نقش «آنتن» یا «رابط» برای پخش ترس و ناامیدی در میان عزیزانم خودداری میکنم. کلام من از این پس حامل آرامش، آگاهی، و امید خواهد بود.

ریموت کنترل ذهن من، فقط و فقط در دستان خودم و تحت نظارت خدای یکتاست. آمین.»

تمرین عملی شماره ۶: سپر فرکانسی روزانه

پس از فسخ قرارداد، باید هر روز از ذهن خود محافظت کنید. همانطور که هر روز مسواک میزنید، هر روز صبح به مدت ۳ تا ۵ دقیقه تمرین زیر را انجام دهید:

۱. چشمانتان را ببندید و چند نفس عمیق بکشید.

۲. تصور کنید که یک پوشش نورانی سفید-طلایی مانند یک حباب شفاف دور تا دور بدن و سر شما را فرا گرفته است.

۳. با هر بازدم، بگویید: «فقط نور.» و با هر دم، احساس کنید که این حباب‌محکم تر ودرخشان تر میشود.

۴. تصور کنید که افکار منفی و امواج مزاحم مانند تیرهای کوچک تیره هستند که به این حباب برخورد میکنند و بلافاصله منحرف میشوند یا میسوزند، بدون اینکه بتوانند وارد حریم ذهن شما شوند.

ketabton.com - The Digital Library

این تمرین، دیواره هاله ذهنی شما را که در فصل اول درباره اش صحبت کردیم، بازسازی و تقویت میکند.

سخن پایانی: پایان بازی

در پایان این کتاب، باید یک حقیقت بسیار مهم را به شما یادآوری کنم: نیروی تاریک، با تمام هیبت وپیچیدگی اش، یک انگل است. و انگل بدون میزبان زنده‌نمی ماند. تمام قدرت شیطان،خاکستری ها، ورابطه ای‌زمینی شان، وابسته به اجازه ناآگاهانه شماست.لحظه ای که شما به این آگاهی برسید و بگویید: «بس است. دیگر کافی است»، باتری ریموت کنترل آنها برای همیشه در مورد شما خالی میشود.

آنها فریاد خواهند زد، پارازیت خواهند انداخت، و از طریق دوستان و آشنایان پیغام خواهند فرستاد تا دوباره دکمه ترس شما را فشار دهند. اما شما اکنون کد منبع را میدانید. میدانید که هر فکر مضطرب کننده ای از آِن شما نیست. میدانید که مادرمضطرب تان شاید خودش قربانی یک آنتن تسخیرشده است. و میدانید که سکوت آگاهانه در برابر وسوسه، قدرتمندترین سلاح شماست.

از امروز، کانال ذهن خود را عوض کنید. ریموت کنترل را محکم در دست بگیرید و انگشتتان را از روی‌دکمه های «ترس»، «طمع» و «حسرت» بردارید. دکمه «عشق آگاهانه»، «توکل» و «حال» را فشار دهید و تماشا کنید که چگونه صفحه نمایش زندگیتان از برفک های مزاحم پاک میشود و تصویر شفاف حقیقت نمایان میگردد. سیگنال قطع شد. کنترل بازپس گرفته شد. اکنون، نوبت پرواز است.

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English